

رجال صدر مشروطیت

خود مپندار پیش اهل نظر گوهر آدمی نهران ماند
بنمانند مردم از بدو نیک وز بدو نیک داستان ماند

حیب یغمائی

یادداشت‌هایی است در باره احوال و صفات رجال صدر مشروطیت که بترتیب حروف تهجی (فیش مانند) تنظیم، و شرح حال هر شخص، جداگانه، در یک برگه مقوایی (تقریباً دو برابر کارت پستال) نوشته شده است.

مؤلف این کتاب یک نفر نیست، بلکه عمدای از اهل اطلاع و بصیرت بوده اند که در خارج از ایران (گویا در برلین) مشهودات و معلومات خود، و اطلاعاتی را که از موثقیین تحصیل کرده اند همه را یکجا فراهم آورده اند و فهرست‌وار باجمال تمام نوشته اند، ظاهراً باین نیت که تکمیل شود و بصورت کتابی درآید.

چنانکه خوانندگان تأمل می‌فرمایند ترکیبات و عبارات این کتاب (با اینکه جای جای خالی از لغزشهای انشائی نیست) در نهایت سادگی و روانی و لطافت است، و چنین تصور می‌رود این سادگی و راستی در بیان مطالب هم منظور بوده است.

بی‌اینکه تعریف و تقییری در عبارت، یا تصدیق و تکذیبی در مطالب روا داریم مجله‌اً عیناً بچاپ می‌رسانیم، اما از خوانندگان و علاقمندان درخواست داریم که اگر مطلبی را ناصحیح می‌یابند با اقامه دلایل و شواهد باز نمایند، و نیز سوانح و وقایع زندگی این رجال را بعد از سال ۱۳۳۶ هجری (که تاریخ تألیف این کتاب است) مرقوم دارند و بضمیمه تصویر هر یک از آنان (که در دسترس دارند) بعنوان مجله‌ یغما بفرستند.

(مجله یغما)

آصف الدوله (میرزا صالح خان)

میرزا صالح خان آصف الدوله تبریزی پسر حاجی کلانتر معروف (۱) که جسد میرزا علی محمد بابرا نجات داده و سمت پیر طریقتی در اویش را داشته و کدخدای مجله‌ باغ میشه تبریز بود، میرزا صالح خان پسر بزرگ حاجی کلانتر است و دو برادر کوچکتر از خود دارد یکی میرزا ابراهیم خان شرف الدوله و کیل مجلس شورای ملی در دوره اول و دیگری میرزا اسحق خان معزز الدوله است. میرزا صالح خان سابقاً وزیر اکرم لقب داشت و اخیراً پس از فوت حاجی رضاقلی خان شاهسون آصف الدوله این لقب را یافت، مشارالیه اولاً بگلریگی تبریز بود بعد حاکم قزوین و گیلان و زنجان و طهران بود و بعد یکمرتبه دیگر حاکم زنجان شد. سن ایشان تقریباً متجاوز از پنجاه سال است و فعلاً حاکم زنجان است.

میرزا آقای نفضی

میرزا آقای نفضی اصفهانی ملقب با عماد الملک سابقاً در حدود ۱۳۱۱ در طهران مشغول

(۱) حاج میرزا علی نقی باغ میشه (باغ میشه از محلات تبریز است).

نقطه‌فروشی بود. در حدود سال ۱۳۱۳ بطرف مازندران و بادکوبه و اسلامبول برای علت نقصی که در طهران حاصل کرده بود مسافرت کرد. در اسلامبول مدتی شغل نوکری داشت بالاخره بواسطه شرکت بایک تاجر بیچاره (آقا میرزا بزرگ معاون التجار پسر حاجی قاضی طهرانی) تاجر شد و دارائی آن بیچاره را بر باد داد. در حدود ۱۳۱۸ بطهران مراجعت کرد و بعد از چند ماهی ثانیاً با اسلامبول مراجعت کرد. در حدود ۱۳۲۳ از راه فرنگستان سفری بطرف خراسان کرد و در یاریس با شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله ملاقات کرد و بندوبستی برای طهران درست کرد. پس از مراجعت عین‌الدوله بطهران میرزا آقا هم بطهران آمد و با شاهزاده مزبور خصوصیت زیادی حاصل کرد و سری توی سرها آورد. بعد از چند ماهی عین‌الدوله هم او را شناخت و او را با دونفر (مجدالاسلام کرمانی و میرزا حسن مدیرمدرسه رشديه) بکلات تبعید کرد و بعد از شش ماه مراجعت بطهران کرد و باز با اسلامبول مسافرت کرد آنجا هم از فاع‌الدوله سفیر ایران او را تبعید به تبریز کرد و این وقت مصادف بادوره اول مجلس شورای ملی بود. از تبریز انتخاب بوکالت گردید و بطهران آمد. بعد از چند ماهی نتوانست در طهران بماند عازم سفر اروپا گردید و از راه هندوستان بلندن رفت، و بعد از چند ماهی بطهران برگشت، و بنسای برخیا تنهای سابق در موقع فتح طهران بر حسب امر هیئت مدیره مدتی در حبس بود و بعد آزاد گردید و روزنامه عصر را نوشت و هرچه از وقاحت بلند بود در روزنامه آشکار کرد. بالاخره جزو مستخدمین دولت گردید و چندی ریاست بلدیه طهران و معاونت حکومت یزدرا دارا بود. عجاله در طهران است (۱۳۳۶) سن او قریب پنجاه سال است.

شیخ ابراهیم زنجانی

از علمای معروف زنجان است. تخصص او گذشته از علوم دینیه در ریاضیات و هندسه است که سالهای دراز مشغول تدریس بوده است. سن او متجاوز از ۶۰ سال است. در حسن اخلاق و صافی فکر از اشخاص درجه اول است. قبل از مشروطیت امور زندگانی او بواسطه مختصرملکی که عیال مشارالیه در زنجان دارد اداره میگردید. در سال ۱۳۲۴ دوره اول مجلس و نیز در دوره دوم و کیل از طرف زنجان گردید و جزو هیئت دمکرات معرفی شد و رئیس شعبه فرقه دمکرات در مجلس منتخب گردید. در موقعی که اولتیماتوم معروف روس در ۱۳۲۸ بدولت ایران رسید او نیز از طرف مجلس جزو کمیسیون اصلاح بود برخلاف رای شعبه پارلمانی دمکرات مجلس رای به قبول کردن اولتیماتوم داد و از این جهت بمقام فرقه اوقدیری تزلزل وارد آمد و اگرچه تمام اعضای فرقه میدانستند بنا بر حسب مصلحت آن رای را داد لکن چون برخلاف رای اکثریت بود فدری در افکار موهون شد. پس از تعطیل مجلس در ۱۳۲۹ بنا بر معارف پروری بدواطلبی رئیس مدرسه ثروت که یکی از مدارس دولتی طهران است گردید. در دوره سوم باز از طرف زنجان و کیل گردید و پس از انحلال مجلس در محرم ۱۳۳۴ برای خدمات ملی بمازندران مسافرت کرد و حالیه (۱۳۳۶) در طهران گویا شغلی در اداره معارف دارد. از محترمین علما و از رؤسای فرقه دمکرات است.

حاجی سید ابراهیم سادات اخوی

پسر آقا سید جواد سادات اخوی (سادات اخوی را باین جهت اخوی نامیده اند که فتحعلی شاه بجد این آقایان اخوی خطاب میکرد و بهمین جهت باین نام معروف شده اند) اصلا لواسانی از کوه پایه طهران است، سن او از ۶۰ متجاوز است. بشغل بزاززی در طهران مشغول است. در

سال ۱۳۲۵ در دوره اول مجلس اوهم از طرف بزازها و کیل گردید .

ابوالفتح زاده (اسدالله خان)

سابقاً در اداره قزاقخانه مستخدم بود و درجه سرتیپی را داشت . در دوره اول مشروطیت که عده از صاحب منصبان قزاقخانه برای همراهی با ملیون و ضدیت علنی با محمد علی میرزا شاه مخلوع از قزاقخانه استعفا دادند اوهم جزء دسته های آن صاحب منصبان بود وبهین واسطه جزو ملیون نامی پیدا کرد ، و در ورود مجاهدین بطهران در ۱۳۲۷ برای اسباب تسهیل ورود ملیون در طهران و قزوین خیلی زحمت کشید ، بعد از فتح طهران از طرف هیئت مدیره مأمور وصول وجه از شاهزاده مسعود میرزای ظل السلطان گردید . در حدود سال ۱۳۲۸ سفر مختصری باروپا کرد و بعد از مراجعت در ۱۳۲۹ که مسیو مرنارد بلژیکی رئیس خزانه داری گردید او مأمور مالیات سلوجبلاغ و شهریار گردید و بعد از مدت کمی بواسطه بد رفتاری با رعایا معزول شد و در همین موقع بود که معلوم شد که او جزوبهائی ها شده است و شب و روز برای پیشرفت آن دسته کار میکرد . در موقع حمله روسها ۱۳۳۴ بطهران اوهم با مهاجرین ازطهران حرکت کرد و تا کرمانشاه آمد و بعد بطهران مراجعت نمود ، و در اواخر ۱۳۳۵ در طهران بعنوان اینکه او جزو کمیته مجازات بود (کمیته مجازات کمیته مجهولی درطهران بود که چند نفری راهم با این اسم مقتول گردانیدند) دستگیر شد و تاحال (۱۳۳۶) در حبس است . سن او بیش از ۴۵ سال نیست .

میرزا ابوالقاسم کنی

پسر حاجی شیخ عبدالحسین کنی پسر حاجی ملا علی کنی مجتهد معروف ساکن طهران (کن قریه ایست بقاصله دو فرسخ در مغرب طهران) سن ایشان بیش از چهل سال نیست . شغل معینی ندارد . از ملازاده های طهران و مشروطه طلب های بی کاراست و خود را جزو فرقه اتفاق و ترقی معرفی کرده است .

میرزا احمد خان حیدری

اصلاً آذربایجانى . سن او بیش از چهل و پنج سال نیست . شغل او پیشخدمتی در نزد میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم و محرم اسرار خلوت او بود . در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه بر حسب میل اتابک اعظم با آنکه شایسته این طور مأموریت ها نبود بحدود قفقاز مأمور و امور خارجه بعضی از شهرهای قفقاز راجع باو شد . مدتهای مدید در قفقاز و قلیس مشغول بود . در اوایل مشروطیت بایران مراجعت کرد و خیلی جد و جهد کرد بلکه بوکالت مجلس مفتخرشود نایل باین مقصود نگردید و شروع بوکالت حقوقی در عدلیه طهران و محاکمات وزارت خارجه نمود ولی در این شغل برخلاف تاریخ زندگانی گذشته خود خیلی بطور صحت و امانت رفتار کرد و حالیه که سال ۱۳۳۶ است در طهران است .

حاج میر احمد مرتضوی

پسر حاجی سید مرتضی صراف تبریزی و از فامیل حاجی میرمناف صراف میباشد . سابقاً جزو صراف های نمره اول تبریز و جزو متحصنین ساکن تبریز بود . در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه شعبه از کار صرافى در طهران دائر کرد و بعد از چند سالی خود مرتضوی بطهران آمد و ساکن طهران

گردید. در دوره اول مجلس شورای ملی (۱۳۲۵) از طرف تجار طهران و کیل مجلس گردید والی حال (۱۳۳۶) در طهران است. سن او متجاوز از ۵۰ سال است. در حزب تجار از اشخاص با سواد و مخصوصاً ذوق کاملی نسبت به شعر و ادبیات دارد.

میرزا احمد قزوینی

اصلاً از ایل عمارلو می‌باشد (عمارلو یکی از ایلات اطراف قزوین است). سابق جزو طلاب و در قزوین تحصیل علم می‌نمود. بعد بطهران آمده چندسالی هم در طهران بود. بنجف برای تکمیل تحصیلات حرکت کرد. از اوایل جزو طلاب متجدد و طرفدار اوضاع جدید و در موقوع بروز انقلاب آزادی در ایران در سلك طلاب آزادی‌خواه در نجف مشغول کار بود. پس از توب بستن مجلس در ۱۳۲۶ او بادنفر دیگر (شیخ جلال و سید مبین) از نجف برای تبلیغ بیانات علمای نجف بایرانیان برضد محمدعلی میرزا شاه مخلوع بایران حرکت کردند و بتبیز آمدند و در فتح طهران و تأسیس ثانوی مجلس از آذربایجان و کیل انتخاب شده بطهران آمد. پس از تعطیل دوره دوم مجلس در سال ۱۳۲۹ که ناصرالملک نایب‌السلطنه وقت اغلب از رؤسای دمکرات‌ها را تبعید کرد خیال داشت اورا هم که جزو و کلای دمکرات بود دستگیر و تبعید کند او مخفیانه با سردار جنگ بختیاری باصفهان و از آنجا بیزد رفت و در آنجا جزو اجزای حکومت و بریاست کابینه یزد منصوب شد ولیاقتی کامل بخرج داد. در دوره سوم مجلس شورای ملی ۱۳۳۳ از یزد و کیل شد و بطهران آمد و هنوز بمجلس معرفی نشده بود که برای ترتیب دادن امورات ملی باصفهان مسافرت کرد و در موقعی که مهاجرین باصفهان رسیدند (صفر ۱۳۳۴) او هم با آنها بطرف کرمانشاه حرکت کرد و حالیه (۱۳۳۶) در سن چهل سالگی در شهر اسلامبول است.

احمد خان ملک ساسانی

پسر مرحوم ملک‌الکتاب شیرازی و از قاضی‌مرحوم اعتمادالسلطنه است. (۱) قبل از سال ۱۳۲۲ در طهران بلقب احتشام حضوری ملقب و در ادارات دولتی مستخدم بود. پس از چند سال تقریباً در حدود سال ۱۳۲۴ مسافرت بسویس کرد و پس از تکمیل تحصیلات در ۱۳۳۰ بطهران آمد و در جزو پیش خدمت‌های شاهی و نیز بشغل معلمی شاه منصوب گردید و بعد بواسطه یکی از انتریک‌های خلوتی سلطنتی (که ذکر آن در اینجا خالی از مناسبت است) از دربار خارج و بعد از چند ماهی در خزانه‌داری مستخدم گردید. و در شهر ذی‌القعده ۱۳۳۳ به پیشکاری مالیه یزد منصوب شد و بیزد رفت. سن او پیش از ۴۰ سال نیست. از جوانهای با کمال در فارسی و ادبیات ایرانی است و از علوم خارجه هم بی اطلاع نیست. «ساسانی» تخلص شعری او است و «ملک» اسم فامیلی او که لقب پدرش هم بوده است میباشد.

احیاء الملک (شیخ محمدخان)

شیخ محمدخان احیاء الملک پسر حاجی میرزا علی نقی صنایع‌المالک زرگر باشی. پس از تحصیلات در دارالفنون طهران برای تحصیل طب بیاریس مسافرت کرد و در حدود سال ۱۳۱۷ بود که بطهران مراجعت کرد و بواسطه رابطه که با میرزا علی اصغر خان اتابک داشت شهرتی حاصل کرد. برخلاف پدرش بدرستی اخلاق حمیده معروف است. و حالیه (۱۳۳۶) در طهران بفن طبابت مشغول (۱) نسبت احمدخان بخانواده اعتمادالسلطنه از طرف مادر بوده یعنی مادراو گویا خواهر محمدباقرخان اعتمادالسلطنه است که اصلاً از طایفه مقدم و مراغه میباشد.

و با بختیاری‌ها مخصوصاً با حاجی علیقلی خان بختیاری (سردار اسعد) منسویت کامل دارد و سن احوالیه بیش از ۴۵ سال نیست .

ادیب‌التجار (حاجی میرزا محمد)

پسر آقا میرزا عبدالکریم اصفهانی (که سابقاً ساکن تبریز و بعد ساکن طهران بود) در اول درتبریز مشغول تجارت بود و بعد در قزوین نیز مشغول کار تجارت شد . در دوره بستن مجلس (۱۳۲۶) در قزوین به همراهی سایر مشروطیون جماعتی را تحریک کرده بشهبندری عثمانی مقیم قزوین بر ضد حرکات محمدعلی میرزا شاه مخلوع بوده و در آن موقع خیلی جدیت برای پیشرفت مشروطیت میکرد . همین جهت بود که در دوره دوم تشکیل مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۲۸ از طرف اهالی قزوین بوکالت منتخب گردید و عازم طهران شد و در حدود ۱۳۳۳ از طهران برشت مسافرت کرد و الی حال (۱۳۳۶) گویا در رشت مشغول امور تجارتنی است .

ادیب السلطنه (میرزا حسین خان)

میرزا حسین خان ادیب السلطنه رشتی پسر میرزا حسن خان ادیب السلطنه است که پدرش مدتی پیشکار حکومت حسام‌الملک امیر افخم در کرمانشاه بود ، سن میرزا حسین خان ادیب السلطنه متجاوز از چهل و پنج سال نیست . تحصیلات عربی و فارسی او بسیار خوب و مخصوصاً در ادبیات ید طولانی دارند تحصیلات علوم جدیده را در مدرسه دارالفنون طهران نموده قدری هم فرانسه میداند . در مرتبه اول که داخل ادارات دولتی گردید در وزارت خارجه بود و بعد از مدتی رئیس شعبه دول غیر همجوار شده در سال ۱۳۲۷ داخل در وزارت داخله گردیده و رئیس کل وزارت داخله بود . مشارالیه بدرستی و صداقت معروف است . در سال ۱۳۳۳ برای دوره سوم مجلس شورای ملی از طرف رشت و کیل گردیده و در محرم ۱۳۳۴ که جمعی از او کلا برای مدافعه از قشون روس به قم مهاجرت کردند ادیب السلطنه هم از طهران خارج و تا ۱۳۳۶ در حب اقامت داشت . در سال ۱۳۳۵ که در کرمانشاه از طرف ملیون یک حکومت موقتی تشکیل یافته بود مشارالیه هم در همان حکومت رئیس امورات وزارت داخله بود ، مشارالیه یکی از بهترین اشخاص درست کار و قابل استخدام در امور اداری ایران است و الان که ماه رمضان ۱۳۳۶ است در اسلامبول اقامت دارد .

ارباب حمشید

پسر همین زرتشتی یزدی از صرافهای معروف طهران بود . در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف زرتشتیان و کیل مجلس گردید . سابقاً کار او رونقی نداشت و بعدها بواسطه حسن سلوک با مردم در معاملات صرافانه اغلب رجوعات اهالی طهران و خیلی از ولایات ایران و بعضی از شعبات ادارات دولتی با و محمول گردید و در اواخر تقریباً اول صراف طهران بود . در حدود ۱۳۴۰ بواسطه عذیده تجارتی ترتیبات اداری او برهم خورد و هر چند جدوجهد کرد نتوانست بصورت اولیه برگرداند لهذا کار او راجع با ادارات دولتی گردید و میتوان گفت هیچ کس بیول خود نرسید مگر بانک روسی استقراضی که طلب خود را اصلاً و فرعاً که اصل آن زیاده از ۸۰۰،۰۰۰ تومان بود در معاسه دولت آورد و با فرع زیادی محسوب نمود (و هنوز که محرم ۱۳۳۶ است مردم بی چاره باینطرف و آنطرف میدوند بجائی نرسیده و نخواهد هم رسید) .